

ربع^۱ رشیدی؛ بزرگ‌ترین مجتمع علمی دانشگاهی ایران

(قرن هشتم هجری / سیزدهم میلادی)

رفیع کافیه

چکیده

ربع رشیدی آشکارترین نمونه سعی و همت دست اندرکاران اصلاحات غازان خان پادشاه مغول در عرصه تعالی و رشد و پویایی فرهنگ ایرانی در چارچوب اندیشه‌های عصر ایلخانی به شمار می‌آید که توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به عنوان شهر دانشگاهی با برنامه‌های وسیع فرهنگی، اقتصادی و رفاهی در نخستین سال‌های قرن هشتم هجری ایجاد شده و اگر چه در مقایسه با تأسیس دانشگاه کمبریج در سال ۱۲۰۹ میلادی، چندین دهه دیرتر به امر تعلیم و آموزش پرداخته ولی به گواهی تاریخ نسبت به بیشتر دانشگاه‌های معتبر اروپا از نظر تقدم زمانی پیش‌تاز است. مقاطع آموزشی در ربع رشیدی را می‌توان به ۵ مقطع تقسیم نمود: ۱. بیت‌التعلیم ۲. آموزش حرفه‌ای ۳. مدارس عالی ۴. دارالشفای ۵. خانقاه. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی رجل سیاسی، دانشمند، طبیب آخر قرن هفتم و بزرگ‌ترین مورخ ایرانی عالم به جمیع علوم عصر زمانه خویش در سال ۶۴۸ ه.ق.، در همدان به دنیا آمد. رشیدالدین که در برخی تواریخ به او «رشیدالحق» و «رشیدالدوله» نیز گفته‌اند علم طب را نزد خانواده خویش در همدان فرا گرفت. وی نخستین بار به عنوان طبیب به دربار آباقا خان راه یافت. در عهد ارغون شاه، مرتبه و پایه وی ترقی یافت تا جایی که در سال ۶۹۷ ه.ق.، غازان خان رتبت نیابت امور جهان‌بانی و منصب وزارت و صاحب دیوانی را به رشیدالدین فضل‌الله و خواجه سعدالدین ساوجی سپرد (امیدانی، ۱۳۷۸).

واژگان کلیدی

ربع رشیدی؛ رشیدیه؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی.

ربع رشیدی؛ بزرگ‌ترین مجتمع علمی دانشگاهی ایران

(قرن هشتم هجری / سیزدهم میلادی)

از جمله عوامل مهم در شکوفایی تمدن اسلامی و پیشرفت‌های علمی، نظام‌مندی و برنامه‌ریزی‌های دقیق در امر تعلیم و تعلم و دانش‌اندوزی و تحقیق و پژوهش بود. حمایت از دانشمندان و محققان و پژوهشگران هم از لحاظ مادی و معنوی باعث ایجاد مراکز علمی و تحقیقاتی از جمله دارالتعلیم‌ها، مدارس، بیت‌الحکمه‌ها، بیمارستان‌ها و... گردید.

بزرگ‌ترین مجتمع وقفی، علمی و آموزشی، مجتمع ربع رشیدی می‌باشد که واقف و بانی آن خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، طبیب، مورخ و وزیر معروف دوره ایلخانی بود.

در زمانی که سازمان‌های اجتماعی ایران و سایر بلاد در اثر تهاجم مغولان در اکثر شهرهای ایران توأم با قتل و ویرانی بود، بیشتر شهرهای ایران منهدم شدند و شهرهای مرکزی و غربی نیز از تهاجمات مغولان بی‌نصیب نماند. تبریز از جمله معدود شهرهای ایران بود که توانست از زیر ضربات مخرب مغولان نجات یابد. هر چند حکام محلی به وسیلهٔ باج دادن به مغولان به این هدف دست یافتند اما توانستند از انهدام صدرصد تبریز جلوگیری به عمل آورند و فرزندان فاتح خونخواری که دهها شهر نظیر سمرقند و بخارا و جرجان و طوس و نیشابور را با خاک یکسان نموده بودند در شهر تبریز مؤسساتی نظیر ربع رشیدی و شنب غازانی^۲ را ساختند. ربع رشیدی بارزترین نمونه سعی و تلاش دست اندرکاران اصلاحات غازان‌خان^۳ در عرصهٔ تعالی و رشد و پویایی فرهنگ ایرانی در چهار چوب اندیشه‌های عصر ایلخانی به شمار می‌آید که توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به عنوان شهر دانشگاهی با برنامه‌های وسیع فرهنگی، اقتصادی، رفاهی در نخستین سال‌های قرن هشتم هجری ایجاد گشت. اگر چه در مقایسه با تأسیس دانشگاه کمبریج در سال ۱۲۰۹ م، این مؤسسه چندین دهه دیرتر به امر

تعلیم و آموزش پرداخته ولی به گواهی تاریخ از بیشتر دانشگاه‌های معتبر اروپا نظیر پراگ، وین...، از نظر تقدم زمانی پشت‌تاز است (اصفهانیان، ۱۳۸۸).

محل ربع رشیدی در آخر محله ششگلان که منتهی به محله باغمیشه و ولیانکوه^۴ (بیلان‌کوه) می‌باشد، واقع شده است. در طرف چپ دو دامنه کوه سرخاب در محل بسیار با صفا و مرتفعی واقع و از هر طرف محدود به باغات و انبوه درختان بود. نادر میرزا (۱۳۷۳) صاحب کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز می‌نویسد:

بدان‌سان که من به تبریز بودم اثری بسیار از آن برجای بود، در سفح جبل سرخاب، همه از آجر و گچ، من و همسالان بدان جاها به تفرج همی شدم به مؤدب و ملازم خان‌ها بود و طاق‌ها و دیوارها، بیشتر مقرنس، و سنگ‌ها همه یک روش تراش کرده و به اصل دیوارها به کار برده. بومیان تبریز این جا را «رشیدیه» گفتندی. سنگ و آجر این بنا (را) مردم بی‌تربیت برکنند و به کار بردند به عمارت خویش. اکنون هیچ از آن به جای نمانده، مگر گودال‌ها که برای استخراج سنگ و آجر حفر کرده‌اند و پی و ریشه. برخی عظیم در تلی مشرف به کوی باغمیشه. و این بنا به شمال تبریز به جای است. چون با سنگ و آجر و آهک خالص باکمال دقت عمارت شده است متین و استوار است. تبریز را بدان حکومت نیست، وگرنه کجا گذاشتندی پاره آجری آن جا بماند (ص ۱۹۱).

به عنوان معروف‌ترین مواردی که این بنا توسط جهانگردان و تاریخ‌نگاران در صفحات تاریخ مکتوب شده است، می‌توان به دو مورد زیر اشاره نمود: کلاویخو، جهانگرد اسپانیایی در سفرنامه خود از ربع رشیدی به عنوان بزرگترین و عظیم‌ترین بنای زمان یاد کرده است. همان‌طور که جوادی (۱۳۵۰) آورده است؛ پتروشفسکی تاریخ‌نگار روس در مورد این شهر می‌نویسد: «از همه کشورهای انواع درختان میوه گل‌ها و حبوبات که در تبریز وجود نداشته و کسی آنها را ندیده بود نهال آوردند و پیوند زدند، به تمام ولایت هند و ختای و غیره و ایلچیان را روانه گردانید تا بذر و تخم ویژه آنجا را بیاورند» (ص ۱۰۷ تا ۱۰۸).

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی فرزند عمادالدوله ابی‌الخیر به سال ۶۴۵ هجری در همدان تولد یافت. رشیدالدین دوران کودکی و جوانی را در همدان به کسب دانش پرداخت و در این راه کوشش بسیار نمود تا در انواع علوم، خاصه طب سرآمد شد. به طوری که در طول پانزده سال، از وفات آباقا خان (۶۸۰ هـ.ق) تا جلوس غازان خان (۶۹۴ هـ.ق) که چهار تن به مسند ایلخانی ایران رسیدند؛ همچنان پزشک رسمی دربار بود و به مثابه شخصیتی فرهیخته و برجسته احترام داشت.

رشیدالدین به خاطر دانایی و هوشمندی خود و نیز کوشش و جدیتی که برای پیشبرد امور می‌نمود بسیار زود ترقی کرد و سرشناس شد. سرانجام در زمان غازان خان و در سال ۶۹۷ هـ.ق به وزارت رسید. دوران وزارت وی از حساس‌ترین دوره‌های فرهنگی و سیاسی در طول تاریخ ایران است. خواجه در برقراری تعادل میان دو گرایش هم‌ستیز، یعنی بین سران مغول و کارگزاران ایرانی که گروهی خواستار نظام پیشرفته مدنی و متناسب با زندگی و فرهنگ شهرنشینی و دیگری جویای کوچ‌گری و قبیله‌ای مناسب با فرهنگ بدوی مغول بود، تلاش فراوانی کرد (سعیدنیا، ۱۳۸۸).

خواجه رشیدالدین در حدود سال ۷۱۵ هـ.ق. در امر وزارت با رقیبی فرومایه روبرو شد. این مرد خواجه علিশاه گیلانی بود که سرانجام با مکر و تزویر بر وزیر بزرگ، خواجه رشیدالدین غالب آمد و شاه را وادار کرد تا وی را معزول کند پس از چندی بدین امر نیز اکتفا نکرد و تخلیط و سعایت را از حد برد. تا آنجا که حکم قتل خواجه و فرزندش را گرفت (مینوی، ۱۳۴۴).

برخی از آثار مهم رشیدالدین عبارتند از:

- مجموعه رشیدیه شامل ۴ کتاب: ۱. توضیحات، ۲. مفتاح التفاسیر (منضم به رساله نفایس‌الافکار)، ۳. فواید سلطانیه، ۴. لطایف‌الحقایق
- جامع‌التواریخ
- آثار و احیا به زبان فارسی درباره فن کشاورزی

- بیان الحقایق به زبان عربی که رساله یازدهم آن درباره جدری و حصبه (آبله و سرخک) می باشد.
- تحقیق المباحث
- أسئلة و أجوبة
- طب اهل خطا (تنکسوگنامه ایلخانی) که از کتاب های پزشکی چینی است و به فارسی ترجمه شده است.
- الأدویة المفردة الخطائیة (این کتاب مفقود شده است).
- مکاتب رشیدی
- سیاست خطائیه
- الوقیة الرشیدیة که همان وقف نامه رشیدی است که به خط مؤلف در کتابخانه مرکزی تبریز نگهداری می شود (اذکابی، ۱۳۷۳، ص ۴۰).

الف) ساختار کلی ربع رشیدی

ربع رشیدی از دو قسمت تشکیل گردیده بود: بخش اول ربع رشیدی قبلاً ساخته شده بود و بارویی در اطراف آن وجود داشت. همچنین، این بخش دارای درگاهی بود که بر آن مناره هایی ساخته شده بودند. بعدها قسمتی به آن بخش افزوده شد و در اطراف هر دو بارویی جدید کشیدند و دروازه دیگری بیرون آن بارو ساخته شد و مجموع این دو قسمت ربع رشیدی نامیده شد و بدین ترتیب ربع رشیدی قسمت اصلی رشیدآباد را تشکیل می داد و دارای یک بارو و دو دروازه درونی و دو دروازه بیرونی بود.

خیابان بزرگ و اصلی شهر پس از گذشتن از بازار شهر به دروازه ربع رشیدی که دروازه بیرونی یا باب الابواب نامیده می شد ارتباط می یافت.

ساختمان مساجد و سایر ساختمان های خیریه که در داخل ربع قرار داشتند شامل: مساجد، خانقاه، کتاب خانه، دارالشفاء، دارالضیافه و دارالتعلیم و تأسیسات خدماتی و اداری و توابع آن بود. ساختمان اصلی ربع رشیدی باغی بوده

که در داخل آن گنبدی قرار داشته که مدفن خواجه در آن پیش‌بینی شده بود و خواجه آن را «بیت‌الحفاظ» نامیده است.

به جز گنبد و مرقد که مرکز و ساختمان اصلی ربع به شمار می‌رفت، سایر بناها به دو قسمت تقسیم می‌شدند: دسته اول شامل بناهایی با رویکرد مذهبی، عرفانی، آموزشی و درمانی بود. مهم‌ترین بخش‌های این دسته شامل روضه، خانقاه، دارالضیافه و دارالشفاء بودند. روضه محل عبادت، وعظ و خطابه و درس و مباحثات علمی بود که مرکز و اصل ربع رشیدی به شمار می‌رفت و با گنبد در یک زمان ساخته شده و بناهای دیگر در اطراف آن بنا شده بودند. دو مسجد صیفی (تابستانی) و شتوی (زمستانی)، دارالمصاحف و کتابخانه، دارالتعلیم و حجره‌ها در کنار روضه قرار داشتند. خانقاه با توابع و اجزا خاص، جهت اقامت صوفیان و انجام مناسک درویشی بوده و خواجه به ساختمان و تزئینات خانقاه نهایت دقت و حساسیت را داشت. خانقاه شامل سه قسمت بوده است: اول «تاب‌خانه» که محل سماع و صوفیان بوده، دوم «صفه» که در مقابل تاب‌خانه قرار داشته و سوم «طنبی» که به صورت ایوانی کوچک در داخل صفه قرار داشته است (نظیرشاه نشین). دارالضیافه جهت پذیرایی اهالی ربع رشیدی شامل مجاوران و مسافران با مطبخ و حوائج خانه بوده و دارالشفاء به سرای طبیب و توابع آن اطلاق می‌شده است.

دسته دوم شامل بناها و مکان‌هایی که محل خدمات عمومی و اداری، تسهیلات و تجهیزات ربع رشیدی به شمار می‌روند بود و مهم‌ترین بخش‌های این دسته شامل موارد زیر بودند:

- سرای متولی که مدیریت ربع را به عهده داشته و مدیریت در زمان حیات رشیدالدین برعهده‌ی خود وی بوده است.
- سرای مشرف که یکی از مدیران ربع محسوب می‌شده و کار دیوانی وقف یا اداری ربع به عهده مشرف بود.
- سرای ناظر که نایب متولی بوده است.

- حمام
- حوض خانه
- سقای‌ها در چند محل و مکان مختلف
- خزانه داخل دارالمتولی که متولی مواد غذایی را در آن ذخیره می‌کرده است.
- انبارها
- حجره‌ها برای اقامت یا فعالیت کارکنان و نگهبانان در نظر گرفته شده بود.
- سرابستان
- دهلیز بزرگ متصل به دروازه ربع (سعیدنیا، ۱۳۸۸).

ب) آموزش در ربع رشیدی

مقاطع آموزشی در ربع رشیدی را می‌توان به ۵ مقطع تقسیم نمود:

۱. بیت‌التعلیم
 ۲. آموزش حرفه‌ای
 ۳. مدارس عالی
 ۴. دارالشفاء
 ۵. خانقاه
- ۱- در بیت‌التعلیم به کودکان و خردسالان، همچنین به کودکان کارکنان و کودکان یتیم شهر تبریز، خواندن و نوشتن آموزش داده می‌شده است. این مقطع آموزشی مطابق تعلیم و تربیت اطفال در مدارس ابتدایی کنونی بوده است.
- ۲- آموزش حرفه‌ای در واقع برای آموزش فنی و حرفه‌ای برای فرزندان غلامان در ربع رشیدی اختصاص داشته است تا فرزندان آنان در حرفه‌های مختلف تحت تعلیم قرار گیرند.

۳- در مدارس عالی سه رشته علم تفسیر و حدیث، علوم عقلی و حسابی، و تدریس تألیفات رشیدالدین صورت می‌گرفته است.

۴- دارالشفا، دانشکده پزشکی ربع رشیدی بشمار می‌آمده و در ادامه مقاله به آن اشاره شده است.

۵- خانقاه محل سماع و جلسات صوفیان و شیوخ بود و دارای امکانات مطبخ و غذاخوری نیز بوده است. با توجه به کتاب صفوة الصفا می‌توان طریقت صوفیان ربع رشیدی را طریقه صفوی دانست (امیدیانی، ۱۳۷۸).

و به قولی «خانقاه رشیدیه» هم کائن بود و همچنین مسجد بزرگی داشت که در آن مجالس وعظ و تبلیغ برگزار می‌گردیده است (جهان‌بخش، ۱۳۷۸). در صفوة الصفای ابن بزاز از آمدن شیخ صفی‌الدین به تبریز و نزول او به خانقاه رشیدیه یاد گردیده است (مشکور، ۱۳۴۸).

ج) دارالشفا، دانشکده پزشکی

قسمت دارالشفا واحدی جدا و مجهز در ربع رشیدی بوده و شباهت زیادی به بیمارستان‌های دانشگاهی ایران داشته است. این دارالشفا به شکل یک بیمارستان و دانشکده پزشکی بوده که علاوه بر مداوای بیماران هر پزشکی ملزم به تربیت ۵ تا ۱۰ دانشجوی طب بوده است. پزشکان در این دارالشفا به دو دسته تمام وقت و نیمه‌وقت تقسیم می‌شدند. پزشکان تمام وقت شاغل در رشته‌های مختلف پزشکی شامل یک پزشک عمومی، یک نفر کحال (چشم‌پزشک) و چند جراح و چند مجبر (شکسته‌بند) بود. این پزشکان کادر رسمی پزشکی بوده و حق کار در خارج از ربع رشیدی را نداشتند و خروج آنها از ربع رشیدی فقط با اجازه متولی ربع رشیدی امکان‌پذیر بود. دانشجویان می‌بایست در مدت پنج سال به تحصیل طب در ربع می‌پرداختند تا اجازه طبابت دریافت نمایند و در غیر این صورت این پنج سال باطل بوده و دانشجوی اجازه طبابت نمی‌یافت. دانشجویان در ربع رشیدی صبح‌ها به صورت تئوری و بعد از ظهر همراه یک پزشک آموزش

می‌دیده‌اند. طبیب پس از معاینه بیماران در مقابل داروخانه که به «شبهه» معروف بوده، نسخه می‌نوشته و از طریق مسئول داروخانه که «خازن» نامیده می‌شده به داروساز (شرابدار) می‌داده است تا داروی مورد نظر تهیه گردد.

نکته قابل توجه در ربع رشیدی این است که هیچ مبلغی جهت درمان از بیماران مراجعه کننده دریافت نمی‌شده است. پزشکان نیمه‌وقت از نقاط دوردست یا از کشورهای بیگانه به تبریز می‌آمدند و هر کدام ده دانشجو را تعلیم می‌دادند. محل سکونت پزشکان نیمه‌وقت و خانواده‌شان در محله‌ای به نام «کوچه معالجان» بوده است ولی پزشکان تمام‌وقت علاوه بر داشتن اتاق کار در ربع رشیدی مسکنی نیز جهت خود و خانواده در محله «صالحیه» داشتند. دلیل علاقه رشیدالدین به طبابت و تمایل او به بنیان‌گذاری یک بیمارستان دانشگاهی در ایران را می‌توان در گذشته وی جستجو نمود، چرا که او از پزشکان شناخته شده بود و جدش، موفق‌الدوله ابوالفرج عالی ابن ابو شجاع همدانی از خانواده‌های یهودی همدان بود که به پیشه پزشکی اشتغال داشت. برادر جدش، رئیس‌الدوله ابن ابو شجاع نیز از طبیبان نامدار بود که در سده هفتم با خواجه نصیرالدین طوسی دوستی داشت. همچنین لازم به ذکر است که به دلیل علاقه شدید خانان مغول و تشویقات آنها، رشیدالدین در پرداختن به این رشته هرچه بیشتر تشویق می‌گردید (امیدانی، ۱۳۷۸).

۱- داروخانه ربع رشیدی

داروهای داروخانه با هزینه‌های گزاف از اقصی نقاط کشور و دنیا تأمین می‌شده است. به طوری که از یک طرف مولد اولیه جهت تهیه دارو به ربع رشیدی وارد می‌شده و با داروهای تولید شده از ربع رشیدی خارج می‌شده تا در دیگر دارالشفاهای ایران مورد استفاده قرار گیرد (نخجوانی، ۱۳۲۰). در نامه‌ای که خواجه رشیدالدین به خواجه علاءالدین هندو نوشته برای دارالشفای ربع رشیدی بعضی از ادهان (روغن‌ها) از هر کدام پنج من، ده من تا صد من، درخواست نموده است. همچنین در وقف نامه به صدها خمره‌ای اشاره شده که برای نگهداری و

ذخیره داروهای مختلف به کار رفته است. لازم به ذکر است که هر داروخانه شامل چند خازن (نسخه‌پیچ و مسئول داروخانه) و یک نفر داروساز (شرابدار) بوده است.

۲- بیمارستان

این محل استراحت بیماران بود که به دو قسمت بیماران عمومی و بیماران عفونی تقسیم می‌شد و «خادم‌المرضى» به عنوان پرستار در آن خدمت می‌کرده است (امیدیانی، ۱۳۷۸).

د) بیت‌الکتاب و کتابخانه ربع رشیدی

کتابخانه ربع رشیدی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های آن عصر به شمار می‌رفته است. محل کتابخانه بر روی آرامگاه رشیدالدین بنا شده بود که در وسط آن گنبد بزرگی وجود داشته و کتابخانه مشتمل بر دو بخش در سمت راست و چپ گنبد بوده است. زیر گنبد نیز جهت نگهداری صدها جلد قرآن بود که با خط خوش نگاشته شده بودند.

خواجه که بر علوم متداول زمان خود از علوم اسلامی گرفته تا پزشکی، کشاورزی و مهندسی و نیز زبان‌های عربی، مغولی، ترکی، عبری، و چینی تسلط داشت با وجود اشتغال فراوان به امور دیوانی، ایام فراغت را به مجالست با دانشمندان سپری می‌کرد. اتاق کار متولی ربع نیز در کنار کتابخانه بود. خود خواجه از چند و چون همه کتاب‌های کتابخانه آگاه بود و مقرر داشته بود که مشخصات دقیق کتاب‌ها در فهرستی فراهم شود و نزد متولی محفوظ و مضبوط باشد. برای هر قسمت یک نفر خازن (کتابدار) و یک نفر مُناول (امانت‌دهنده، آشنا به علم کتابداری) تعیین کرده بود که باید دارای شرایط لازم اخلاقی و علمی می‌بودند. برای هر یک از آنان هم شرح وظائف، حقوق، و امکانات رفاهی جداگانه در نظر گرفته شده بود. کلید کتابخانه نزد خازن بود و فهرست کتاب‌ها را باید متولی و ناظر و مشرف امضا و مهر می‌کردند. در هر قسمت از کتابخانه، فهرست کتاب‌های آن نگهداری و در معرض دید مراجعان قرار می‌گرفت. شیوه امانت

کتاب مطابق مقرراتی مکتوب بود که خواجه وضع کرده بود. دانشجویان و مدرسان هر کتابی را می‌خواستند، از کتابخانه گرفته، همان‌جا مطالعه می‌کردند. بیرون بردن کتاب از ربع رشیدی بدون سپردن ودیعه، ممنوع بوده است. افراد خارج از ربع و نیز ساکنان آن می‌توانستند کتاب به امانت بگیرند که ودیعه آن برابر قیمت کتاب و اگر از شهر تبریز خارج می‌شد، چند برابر قیمت آن از آنها دریافت می‌شد. اگر امانت‌گیران کتاب مورد اعتماد متولی بودند. (یعنی متولی آنها را رسماً به کتابخانه معرفی می‌کرد) نیز می‌توانستند بدون پرداخت ودیعه کتابها را بیرون ببرند.

اهمیت این کتابخانه علاوه بر داشتن قرآن‌های مذهب ارزشمند به خط کاتبان معروف و عالمان بزرگ، در وجود کتاب‌های گوناگونی بوده که به زبان‌های فارسی، عربی، چینی و یونانی فراهم شده بود و دانشمندانی که از نقاط مختلف جهان و سرزمین‌های اسلامی به تبریز آمده، یا خواجه از آنها دعوت کرده بود، از این مجموعه عظیم و ارزشمند بهره می‌بردند. این کتاب‌ها را خواجه نه تنها از طریق خریداری یا نسخه‌برداری تهیه کرده بود، بلکه تأسیس ربع رشیدی و رونق کتابخانه آن مقارن انحطاط رصدخانه مراغه بوده؛ بنابراین، احتمال می‌رود مجموعه اصلی کتاب‌های این کتابخانه از مجموعه عظیم کتابخانه مراغه فراهم شده باشد.

خواجه برای حفظ کتاب‌های خود کوشش‌های فراوانی کرد. او مقرر داشت چند نسخه از تألیفاتش برای دوستان و دانشمندان استنساخ شده، به ایشان عاریه داده شود. آنها هم مجاز بودند از روی آن نسخه‌برداری کنند. دیگر آن‌که دستور داد آثارش ترجمه شود و از اصل و ترجمه این آثار نسخ متعددی بنویسند و در کتابخانه بگذارند. همچنین یک نسخه کامل به نام «جامع التصانیف الرشیدیه» با نقشه‌ها و شکل‌های لازم تدارک دید که در کتابخانه قرار گیرد تا دیگران نسخه‌های خود را با آن مقابله کنند.

وی همه ساله از محل موقوفاتی که برای مسجد و مدرسه در ربع رشیدی وقف کرده بود مبلغی را برای استنساخ کتب خود اختصاص داد که همه ساله یک نسخه کامل تحریر شود و به یکی از کتابخانه‌های شهرهای ممالک اسلام هدیه شود. او قرار گذاشته بود که این نسخ را روی بهترین کاغذ بغدادی و به بهترین و خواناترین خط بنویسند و با نسخه اصلی مقابله کنند.

برخی از اجزای تألیفات وی که از زمان خود وی در ربع قرار داشته، هم‌اکنون در موزه‌های ایران، اروپا و ترکیه موجود است؛ از جمله: بخشی از جامع‌التواریخ در کتابخانه ادین‌بورگ اسکاتلند، مجموعه رشیدیه در کتابخانه ملی پاریس، نسخه جامع‌التواریخ در کتابخانه استانبول، و... .

مؤلف «تاریخ و صاف» مخارجی را که خواجه بابت نسخه‌برداری، نقش، تصویرسازی، جلد و صحافی تألیفات خود پرداخته، ۶۰ هزار دینار رایج ذکر کرده است؛ چنان که حقوق و دستمزد کارکنان کتابخانه نیز در وقفنامه خواجه آمده است: «خازن، هر سال ۳۰ دینار نقد رائج تبریز و روزانه ۳ من نان گندم و مناول هر سال ۳۰ دینار نقد رائج تبریز و روزانه ۲ من نان گندم». خواجه رشیدالدین در وصیت‌نامه خود که برای صدرالدین محمد ترکه فرستاد، درباره هزار جلد قرآن نفیس و دیگر کتاب‌هایی که به کتابخانه وقف کرده بود چنین می‌نویسد: «قرآن به خط طلا چهار صد جلد، قرآن به خط یاقوت حموی ده جلد، قرآن به خط ابن مقله هشت جلد، قرآن به خط سهروردی بیست جلد، قرآن به خط اکابر بیست جلد، قرآن‌هایی که به خط خوب نوشته‌اند در ۵۴۸ جلد و شصت هزار جلد کتاب در انواع علوم، تواریخ، اشعار، حکایت و امثال و غیره که از ممالک ایران، توران، مصر، روم و چین و هند جمع کرده‌ام همه را برای کتابخانه ربع وقف کرده‌ام.....»، «و دیگر دو بیت‌الکتب که در جوار گنبد خود از یمین و یسار ساختم، از جمله هزار مصحف [قرآن] در آن جا نهاده‌ام، وقف کرده‌ام بر ربع رشیدی و مفصل آن بدین موجب است: آنچه به حلّ طلا [آب طلا] نوشته شده ۴۰۰ عدد؛ آنچه به خط یاقوت است ۱۰ عدد؛ آنچه به خط ابن مقله است عددان [دو جلد]؛ آنچه به

خط احمد سهروردی است ۲۰ عدد؛ آنچه به خطوط اکابر [بزرگان] است ۲۰ عدد و آنچه به خطوط روشن خوب نوشته شده است ۵۴۸ عدد. دیگر ۶۰ هزار مجلد کتاب در انواع علوم و تواریخ و اشعار و حکایات و امثال و غیره که از ممالک توران و مصر و مغرب و روم و چین و هند جمع کرده‌ام، همه را وقف گردانیده‌ام بر ربع رشیدی.»

برای آنکه اهمیت این تعداد کتاب را دریابیم، باید توجه کرد که تمام این کتاب‌ها یک یک به دست کاتبان و خطاطان نوشته و ماه‌ها وقت صرف نوشتن هر یک از آنها شده است و امروز، پس از گذشت بیش از هفت قرن از آن روزگار، هنگامی که ده هزار و صد هزار و یک میلیون نسخه از هر کتابی یکجا و در ظرف مدتی کوتاه چاپ می‌شود و بهای آن به یک صدم بهای کتاب‌های خطی نمی‌رسد، ما در سراسر ایران فقط دو کتابخانه داریم که تعدادی کتاب‌های (چاپی) آن کمی از صد هزار بیشتر است و آن دو، یکی کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق) و دیگری کتابخانه مرکزی دانشگاه است (محمدنیا، ۱۳۸۷).

نتیجه

سرانجام ربع رشیدی پس از قتل خواجه رشیدالدین فضل‌الله غارت شد و ویران گردید. غیاث‌الدین محمد، فرزند خواجه در زمان وزارت خود آنجا را بازسازی کرد، اما با کشته شدن غیاث‌الدین عمر ربع رشیدی نیز به سرآمد خرابه‌ها و بناهای نیمه‌ویران ربع رشیدی تا قرن یازدهم که اولیای چلبی و شاردن در سفرنامه‌های خود از آن یاد کرده‌اند هنوز پا بر جا بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ربع، واژه‌ای تازی‌نهاد است که در فارسی چند معنا دارد؛ از جمله: ۱. سرای و خانه ۲. فرود آمدن‌گاه، منزل‌گاه ۳. محله ۴. اقامت‌گاه بهاری، بستان‌سرای معشوق. / بنگرید به: فرهنگ معین/.
۲. شنب‌غازانی: به سال ۱۲۹۹ (۶۹۹ ه.ق) در قریه شام واقع در ۲ کیلومتری باختر تبریز، سلطان محمد غازان برای خود آرامگاهی بنا نمود و از آن تاریخ این قریه به نام شام‌غازان یا شنب‌غازان نامیده شد.
۳. غازان خان از پادشاهان ایلخانی بود.
۴. باغمیشه از محلات قدیمی شهر تبریز است و ولیانکوه (بیلان کوه) کوهی در حوالی شهر تبریز می‌باشد.

فهرست منابع

- اذکائی همدانی، پرویز. (۱۳۷۳). خواجه رشیدالدین. *تاریخ نگاری ایران*. بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- اصفهانیان، داوود. (۱۳۸۸). گزارشی از مجتمع علمی ربع رشیدی. *مجموعه مقالات ربع رشیدی*. به اهتمام رضا رحمانی. تهران. ۷۷.
- امیدبانی، حسین. (۱۳۷۸). ربع رشیدی؛ مجتمع بزرگ وقفی، علمی و آموزشی در تبریز. *وقف میراث جاویدان*. ش ۲۷. ۵۱، ۵۴، ۶۴.
- جهانبخش. جویا. (۱۳۷۸). ربع رشیدی؛ مجالی فراخ برای کتاب‌ورزی. *آیین میراث*. تهران. ۲۷.
- جوادی. شفیع. (۱۳۵۰). *تبریز و پیرامون*. تبریز.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۸۸). پژوهش در ربع رشیدی. *مجموعه مقالات ربع رشیدی*. (به اهتمام رضا رحمانی). تهران. ۷۷ تا ۸۷.
- قاجار، نادر میرزا. (۱۳۷۳). *تاریخ و جغرافی داری السلطنه تبریز*. تبریز: انتشارات ستوده. چاپ غلامرضا طباطبایی مجد.
- محمدنیا، مرتضی. (۱۳۸۷). کتابخانه ربع رشیدی. *آینه پژوهش*. تهران. ۸.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۴۸). ربع رشیدی. *مجله هنر و مردم*. ش ۱۸۴. ۳۴.
- مفتاح، الهامه. (۱۳۸۸). بررسی شخصیت و آثار رشیدالدین فضل الله همدانی. *مجموعه مقالات ربع رشیدی*. به اهتمام رضا رحمانی. تهران. ۸۲۶.
- مینوی، مجتبی. (۱۳۴۴). خواجه رشیدالدین وزیر. *مجله دانشکده ادبیات تهران*. سال سوم. ۵۲.
- نخجوانی، حاج حسین آقا. (۱۳۲۰). ربع رشیدی. *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*. ۲۲.
- هاشمیان. هادی. (۱۳۸۴). خواجه رشید الدین فضل الله همدانی و وقفنامه ربع رشیدی. *مجله کتابخانه مرکزی تبریز*. ش ۲.

یادداشت شناسه مؤلف

دکتر رفیع کافیه؛ دندانپزشک؛ محقق جامعه گیاه‌درمانی ایران؛ پژوهشگر گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه شهید بهشتی.

شماره همراه: ۰۹۱۲۲۰۱۴۱۶۷

نشانی الکترونیکی: E-mail: rafiekafieh@gmail.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۸/۵/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۸/۱۵